



اشاره

شناخت فتنه و اسباب آن که از صدر اسلام تا به امروز در رنگ‌های گوناگون جلوه‌گر شده است، ما را بیشتر با کُنه آن آشنا می‌کند. به ویژه هنگامی که نظیر آن در زمان گذشته رخ داده باشد و افشاگری‌هایی درباره ماهیت آن از زبان کسی که با بزرگ‌ترین فتنه‌ها به مبارزه برخاسته است، پیش روی ما باشد.



پدیدارشناسی فتنه‌ها از صدر اسلام تا به امروز

حجت‌الاسلام دکتر سید احمد رهنمایی

# پس لکرزه‌هایی برای فرو ریختن و پیرانته‌ها



ویرانگرترین فتنه آن است که تیشه به ریشه  
خدا و پیامبران الهی بزند؛ مانند فتنه سامری  
که با خدا و پیامبر او دشمنی می‌ورزید.

زمان حضرت عیسی (علیه السلام) در تعارض با ولایت خدا و ولایت پیامبر الهی بود. توطئه اصحاب سقیفه بنی ساعده هم تیشه به ولایت خدا و رسول او و امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌زد. اگر غفلت کنیم، این فتنه سرتاسر جهان اسلام را در بر می‌گیرد.

مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۷۹ در مصلاهی بزرگ تهران در جمع بیش از صد هزار جوان ۱۶ تا ۲۰ ساله به این موضوع اشاره فرمودند. چرا ایشان این مسئله بسیار مهم را در میان جوانان مطرح می‌کنند؟! آیا از دولت‌مردان وقت کسی نبود که شایسته خطابت این کلام قرار بگیرد؟ مقام معظم رهبری این لیاقت را در جوانانی دید که امروزه واقعا صحنه‌گردان و بلاگردان از نظام و رهبری و دولت اسلامی هستند. در حضور آن‌ها شقشقیه‌ای را اعلام کردند که شقشقیه جد اطهرش امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در یادها زنده کرد. ایشان از

ما به روشنی شمارش معکوس در هم شکسته  
شدن دشمن را شاهد هستیم. این واقعه  
اسباب خشنودی و عزت امت اسلام را فراهم  
کرده است.

فتنه‌های بسیار ویرانگر به مجرد غافل شدن امت اسلام خبر می‌دهد. تاریخ درس است، از تاریخ بسیار درس‌ها می‌شود آموخت و بسیار تجربه‌ها می‌شود به دست آورد. عده‌ای سعی می‌کنند حوادث روزگار ما را یک حادثه استثنایی که به هیچ وجه از تاریخ قابل استفاده نیست، وانمود کنند. این غلط است. رنگ‌ها و روش‌های زندگی عوض می‌شود، اما پایه‌ها و جبهه‌بندی‌های اصلی زندگی بشر تغییر پیدا نمی‌کند.

در صدر اسلام مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ضربه‌ای که بر اسلام وارد شد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد. حکومت امام حسن و حکومت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) به سلطنت شام تبدیل شد. البته امام حسن مجتبی آن روز به خاطر یک مصلحت بزرگ‌تر - حفظ اصل اسلام - مجبور بود آن تحمّل را به جان پذیرد. حکومت را از حضرت گرفتند. وقتی حکومت از مرکز دینی خارج شد و در اختیار دنیاطلبان و دنیاخواهان قرار گرفت، بدیهی است که به دنبال آن حادثه کربلا پیش می‌آید. حادثه‌ای که دیگر نمی‌توان جلوی آن را گرفت. بیست سال بعد از آن که حکومت اسلامی از دست محور امامت گرفته شد، امام حسین (علیه السلام) فرزند پیامبر در کربلا با آن وضع فجیع به خاک و خون کشیده شد.

سلیم بن قیس هلالی نقل می‌کند: حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) طی خطبه‌ای، پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر اعظم (صلوات الله علیه)، فرمود: مخوف‌ترین اموری که در مورد آن نگران شما هستیم، دو خصلت است: یکی پیروی هوای نفس و دیگری آرزوی طولانی و دراز. پیروی هوای نفس، راه حق را می‌بندد و آرزوی طولانی موجب فراموشی آخرت می‌گردد. مردم! بدانید که دنیا در حالی که به شما پشت کرده است، می‌گذرد و آخرت در حالی که روی به شما نهاده است، فرامی‌رسد. برای هر یک از دنیا و آخرت فرزندان است. پس شما از فرزندان آخرت باشید و نه از فرزندان دنیا، که امروز گاه عمل است و حسابی در کار نیست، ولی فردا گاه حساب است و عملی در بین نیست، آگاه باشید که فتنه‌ها در اثر پیروی از هواهای نفسانی و بدعت در احکام الهی پدیدار می‌گردند؛ هواها و احکامی که مخالف حکم خداوند است و عده‌ای را برمی‌انگیزاند تا از عده دیگری پیروی کنند. بدانید چنانچه حق از دستبرد هواپرستی و بدعت‌گذاری در امان می‌ماند، هیچ اختلافی پدید نمی‌آید و اگر باطل روشن و آشکار ابراز می‌شود، امر آن بر خردمندان مخفی نمی‌ماند، اما هواپرستان و بدعت‌گذاران قدری از حق و قدری از باطل را به هم درمی‌آمیزند تا آنجا که بین آن‌ها هم‌پوشی صورت پذیرد. اینجاست که شیطان بر یاران خویش مستولی می‌گردد و تنها کسانی از شر فتنه‌ها نجات می‌یابند که سابقاً مورد هدایت و احسان الهی قرار گرفته باشند.<sup>۱</sup>

امروزه هیچ خطری از سوی دشمنان برون مرزی، انقلاب اسلامی ما را تهدید نمی‌کند. آمریکا واقعا ذلیل قدرت، عظمت و معنویت انقلاب اسلامی شده و دنیایی که تابع کاخ سفید است، به این درجه از نزول رسیده است. ما به روشنی شمارش معکوس در هم شکسته شدن دشمن را شاهد هستیم. این واقعه اسباب خشنودی و عزت امت اسلام را فراهم کرده است، ولی نباید موجب غفلت از درون شود؛ چرا که امروزه مهم‌ترین و بزرگ‌ترین فتنه‌ها در داخل نظام جمهوری اسلامی در شرف تکوین است و البته بعضی از آن‌ها قبلاً طی بیست سال گذشته پایه‌گذاری شده است.

ویرانگرترین فتنه آن است که تیشه به ریشه خدا و پیامبران الهی بزند؛ مانند فتنه سامری که با خدا و پیامبر او دشمنی می‌ورزید. کار یهودیان

در صدر اسلام مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ضربه‌ای  
که بر اسلام وارد شد، این بود که حکومت  
اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد.







**در صدر اسلام مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ضربه‌ای که بر اسلام وارد شد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد.**

هواپرستی، عیش و نوش و رفاه‌زدگی دارد. دورانی که در کانادا تحصیل می‌کردیم، شاهد بودیم خانواده این حضرات به بهانه درمان پزشکی، اما در واقع برای عقد قراردادهای اقتصادی به آن کشور می‌آمدند، مهمان سفیر بودند و هزینه‌هایی بر بیت‌المال تحمیل می‌کردند. در حال حاضر هم آن ریخت و پاش‌ها ادامه دارد. در برخی تبلیغات انتخاباتی مانکن‌هایی که در خیابان‌ها راه افتادند و تبلیغات کردند، تصاویرش کاملاً گویا است و هنوز در بعضی از سایت‌های اینترنتی وجود دارد. این قبیل مسائل نشانگر کانون فتنه‌خیزی است که سراسر وجود انقلاب اسلامی را فرا می‌گیرد، اما بر اساس نوید الهی، نخستین کسی که در فتنه‌ها ضربه می‌خورد، خود فتنه‌گر است و دومین طایفه‌ای که ضربه می‌خورند، فتنه‌زده‌ها هستند

و پیروز صحنه کسی است که فتنه‌ها برایش آوار شده است. پیروز صحنه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و آقا سیدالشهدا علیه السلام است. پیروز صحنه حضرت امام خمینی ره، مقام معظم رهبری است. اگر این نوید الهی در گوش ما نمی‌بود، خود را به سادگی می‌باختم، به گونه‌ای دیگر مفتون می‌شدیم و صحنه را خالی می‌کردیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: در این فتنه‌ها عده‌ای پیر، گروهی جوان و عده‌ای سر به نیست می‌شوند. در عصر ما نیز همین‌ها مشاهده می‌شود. گویا فرمایش حضرت برای امروز است. طبیعی است هنگامی که کسانی با یک روحیه هواپرستانه به میدان می‌آیند، طبیعت هواپرستانه‌شان، آن‌ها را به سمت خدا نمی‌کشاند، بلکه به سمت هوری می‌کشاند. ممکن است کسی در یک مقطعی رکن انقلاب بوده، ولی الان آن رکن شکسته و پوسیده شده باشد و ما دیگر در پیشگاه الهی عذر نداریم تا از او حمایت کنیم که در غیر این صورت روز قیامت در پیشگاه امیرالمؤمنین علیه السلام و امام زمان (عج)، از شهدا شرمنده خواهیم بود؛ آن‌ها نمی‌خواستند یک ذره گرد عم بر چهره امام و مقام رهبری بنشینند، نه این که مانند برخی حضرات، هر روز بحرانی را بر امام و رهبری تحمیل کنند! ما نمی‌توانیم در پیشگاه خدا بگوییم: امام فرمودند «فلانی از ارکان انقلاب است» و به این دلیل ما نمی‌توانیم اقدامی انجام دهیم، نباید از یاد ببرید که امام علیه السلام فرمودند:

**امیرالمؤمنین علیه السلام کانون فتنه‌ها را در درجه نخست دو چیز می‌دانند: اهواء، تتبع و احکام تبثدع.**

اساس و نقشه دشمن این است که حکومت را از محور اصلی و امامت و دین خارج کند تا هر کار که بخواهد انجام دهد، ولی به برکت ملتی هوشیار مثل ملت ایران، به برکت افکار برانگیخته‌ای مثل افکار ملت ایران و به برکت انقلاب بزرگی مثل انقلاب اسلامی ایران، نه آمریکا و نه بزرگ‌تر از آمریکا اگر در قدرت‌های مادی باشند، قادر نیستند حادثه‌ای مثل حادثه صلح امام حسن علیه السلام را در دنیای اسلام تحمیل کنند. در این وضعیت اگر دشمن زیاد پافشاری کند، حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد.

**هواپرستی و پیروی از امیال نفسانی**

هنگامی که فتنه‌گران فتنه می‌کنند، بسیاری را مفتون خود می‌کنند. مفتون شدن فتنه‌زده‌ها، هم قبل از وقوع فتنه اتفاق می‌افتد و هم بعد از آن. پیش از وقوع فتنه، افراد فتنه‌زده به سوابق و دست و دل‌بازی

**ضعفای مردم از طریق تهدید، کسانی که بین خودشان و فتنه‌گران حق و حسابی دارند با تطمیع و عده‌ای از ساده‌لوحان از راه تبلیغات آتش‌بیار معرکه فتنه‌گران می‌شوند.**

فتنه‌گران و نیز حیثیتی که آن‌ها کسب کرده‌اند خواه از راه تبلیغات، تطمیع و یا با تهدید، مفتون می‌شوند. ضعفای مردم از طریق تهدید، کسانی که بین خودشان و فتنه‌گران حق و حسابی دارند با تطمیع و عده‌ای از ساده‌لوحان از راه تبلیغات، آتش‌بیار معرکه فتنه‌گران می‌شوند. بسیاری از ماها اگر در صدر اسلام بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌بودیم، از یکدیگر می‌پرسیدیم: مگر ممکن است فلانی و فلانی بر باطل باشند؟! مگر نشنیدی که فلانی از ارکان رسول خدا صلی الله علیه و آله است؟! شخصیت فلانی باید باقی بماند تا نهضت رسول خدا صلی الله علیه و آله پابرجا بماند. مگر نشنیدی گفتند طلحة الخیر؟! مگر نشنیدی گفتند سیف الاسلام؟! بسیاری از راه همین گفت و شنودها و انتشار این گونه مسائل، مفتون فتنه‌گران شدند. فتنه‌خاصیت دیگری هم دارد؛ همین افراد فتنه‌زده را دوباره مفتون می‌کند. آن هنگامی است که از لاک خودشان سر درمی‌آورند و می‌گویند: ما گمان نمی‌کردیم فلانی این همه فتنه‌انگیز باشد!

در روایتی که ابتدای بحث آمد، امیرالمؤمنین علیه السلام کانون فتنه‌ها را در درجه نخست دو چیز می‌دانند: اهواء، تتبع و احکام تبثدع. در صدر اسلام کانون فتنه هر دو حربه را با هم داشت. عده‌ای طبق هواهای نفسانی موقعیت را بر ارکان امامت و ولایت تنگ کردند تا حزب قرشی بر اهل‌البیت علیهم السلام حاکم شود، اما چون به تنهایی نتوانستند گوی سبقت را از اهل‌بیت برآیند، دست در داستان بی‌کفایت حزب اموی دادند. این دو حزب براساس هواهای نفسانی و خواسته‌های شیطانی خود، راه را بر امیرالمؤمنین علیه السلام سد کردند.

در عصر ما سوابق بسیاری از این گونه افراد به روشنی نشان از



بر اساس نوید الهی، نخستین کسی که در فتنه‌ها ضربه می‌خورد، خود فتنه‌گر است و دومین طایفه‌ای که ضربه می‌خورند، فتنه‌زده‌ها هستند

وضعیت کنونی افراد را بسنجید و ببینید در حال حاضر سر در چه لاکی دارند. یکی از کانون‌های فتنه هوپرستی است و این افراد در هوپرستی برخلاف اندیشه امام، گوی سبقت را از خیلی‌ها ربودند. واقعا تأسف دارد. در دوران حاکمیت آن آقا، در گوشه‌ای از استان خودش، روستاهایی کشف شود که هیچ بهره‌ای از زندگی انسانی ندارند! بنابراین کانون اول فتنه، هوپرستی و پیروی از امیال نفسانی است. کانون دوم در روایت حضرت علی (علیه السلام) «احکام تبذع» است. این حضرات در حال تغییر دادن تدریجی احکام الهی هستند. احکام الهی، کلام امام درباره ولایت فقیه، حجاب و ارزش‌های دینی را تغییر می‌دهند.

#### بدعت در احکام الهی

بر اساس فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) دومین کانون فتنه، اندیشه‌های خطرناک و التقاط‌آمیز است که مخالف حکم خدا است. یکی از ویژگی‌های برجسته فتنه‌انگیزی، ورود به فتنه از راه التقاط حق و باطل است، به ویژه اگر از شخصیتی که ظاهرالصلاح است و بر پست‌های کلیدی نظام تکیه زده سر بزند، ویرانگرتر خواهد بود؛

چون تحلیل مسائل برای مردم خیلی دشوار است. بنابراین باید افرادی صاحب‌نظر باشند تا تک‌تک این اظهارات سیاسی، اقتصادی، موضع‌گیری‌های داخلی و بین‌المللی... همه را از نگاه ریزبین خودشان بگذرانند تا متوجه شوند که فتنه کجاست.

اگر آن‌ها بی‌پرده بگویند ولایت فقیه را قبول نداریم و راحت اعلام کنند شیوه حکومت

سلطنت‌طلبان را بر شیوه حکومتی ولایت فقیه ترجیح می‌دهیم؛ آن‌گاه خواهند دید چه ضرب شستی از مردم خواهند خورد. آشکارا بگویند ما اقتصاد اسلامی را قبول نداریم، تا افراد خردمند پاسخ آن‌ها را بدهند؛ اما متأسفانه حق و باطل را با هم ممزوج می‌کنند تا افراد عادی نتوانند به اهداف آن‌ها پی ببرند. می‌گویند: ما از همان آغاز، به پدید آمدن قدرت نگاه زمینی و واقع‌بینانه داشتیم؛ ولی کسانی آمدند و نگاه صرفاً متافیزیکی به قدرت را دامن زدند! چه کسانی بودند جز امام؟ مرتب مطرح می‌کنند که ما این اندیشه را قبول نداریم. بعد جالب این است که نظریه امام درباره ولایت فقیه را هم تحریف می‌کنند! از همان ابتدا

امام خمینی هم همین را می‌گفت، ایشان هم مشروعیت را به مردم می‌دهد!

امام در ۵۸۷/۳۰ در جمع علمای غرب تهران فرمودند: «ولایت فقیه، همان ولایت قضیه ولایت فقیه که مجلس خبرگان ولایت فقیه یک خدای تبارک و تعالی است. همان ولایت ولایت رسول‌الله هم در زمره گروهی هستند که در زمان رسول خدا از ولایت رسول خدا هم وحشت داشتند و بسیار دسیسه می‌کردند که مبدا این ولایت فراگیر شود.»



مقام معظم رهبری در سخنرانی پرتین خود در جمع بیش از صد هزار نفر از جوانان در مصلاهی بزرگ تهران در ۷۹/۲/۱ فرمودند: «عزیزان من! هدف اصلی دشمنان، چه دشمنان خارجی و چه دشمنان دروغ و منافق داخلی، عبارت است از نفی حکومت دینی و حکومت اسلام. اصل قضیه برای این‌ها این است و به کم‌تر از این هم راضی نیستند. این‌ها می‌دانند تا وقتی که قدرت در دست دین و احکام دینی است، تا وقتی که مقررات مجلس شورای اسلامی باید طبق دین باشد، تا وقتی این قانون اساسی هست که این قانون اساسی منطبق بر دین است، در این کشور کاری نمی‌توانند بکنند»

**ما نمی‌توانیم در پیشگاه خدا بگوییم: امام فرمودند «فلانی از ارکان انقلاب است» و به این دلیل ما نمی‌توانیم اقدامی انجام دهیم. نباید از یاد ببرید که امام (علیه السلام) فرمودند: وضعیت کنونی افراد را بسنجید.**

تا هنگامی که مسئولان کشور به مبانی دین و اسلام و فقهت پایبند باشند، این‌ها کاری نمی‌توانند بکنند. فرد مسئول می‌گوید: «حکومت را از امر قدسی به امر زمینی رساندیم». این سخن کمتر از افتخار دبیر کل حزب مشارکت نیست که می‌گوید: «در طول هشت سال حاکمیت، هنر ما این بود که حکومت را از عرش به فرش کشانیم!»

#### وظیفه ما چیست؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ادامه معرفی کانون فتنه و این که برنده‌ترین سلاح

یکی از ویژگی‌های برجسته فتنه‌انگیزی، ورود به فتنه از راه التقاط حق و باطل است. به ویژه اگر از شخصیتی سر بزند که ظاهرالصلاح است.

**مقام معظم رهبری: «عزیزان من! هدف اصلی دشمنان، چه دشمنان خارجی و چه دشمنان دروغ و منافق داخلی، عبارت است از نفی حکومت دینی و حکومت اسلام.»**

آن گاه ۲۸ مورد از تحریفات زمان خلفا را مطرح می‌کنند. دل سنگ بر مظلومیت آقا گریه می‌کند.

حالا به دوران امام علیه السلام برگردید. در قم، شخصیتی به نام آقای شریعتمداری خودش را در وزان مرجعیت قرار داده بود، آیا امام آمدند یک راست با او مبارزه کنند؟ خیر، سیاست امام، روشنگری و در نتیجه بیدار کردن مردم بود تا احیاناً اگر بناست یک مهره فتنه‌انگیز از گردونه سیاست خارج شود، خم به ابروی نظام نیاید. جریان بنی‌صدر، ناچیز نبود، هیمنه بود، ۱۱ میلیون رای بود! امام علیه السلام چگونه می‌بایست این جریان را از بین می‌بردند؟! صبر کردند تا روشنگری‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی و مقام معظم رهبری کارساز شود، آن گاه به راحتی حرف خودشان را زدند و خم به ابروی نظام نیامد. مسئله قائم مقام رهبری و مهدی هاشمی هم همین‌طور بود. اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در اطراف خودشان، اصحابی ناباب داشتند و آن‌ها را طرد می‌کردند، چه بسا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله خدشه وارد می‌شد که چرا پیامبر یاران خودش را تحمل نکرد؟! مقام معظم رهبری کارشان روشنگری است. بنابراین بهترین راه، بازگشت به کلمات خود امام و مقام معظم رهبری است. رهبر عالی قدر انقلاب، سال ۷۹ در جمع بیش از صد هزار جوان در مصلاهی بزرگ تهران، جریان مهمی را گوشزد می‌کنند که بسیار عبرت‌آموز است. در صدر اسلام بزرگ‌ترین ضربه‌ای که بر اسلام وارد شد، تبدیل حکومت اسلامی از امامت به سلطنت بود. ایشان می‌فرمایند وقوع حادثه کربلا طبیعی بود و سرچشمه آن فتنه‌ای بود که در سقیفه رخ داد و امامت رفته رفته به سلطنت تبدیل شد.

فتنه‌گران، سلاح التقاط است، به مطلبی اشاره می‌کنند. می‌فرمایند: شنیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: چه حالی خواهید داشت هنگامی که لباس فتنه بر اندام شما پوشانده شود؛ که در آن کودک بزرگ می‌شود و شیخ و کبیر به پیری می‌رسد. فتنه‌ای که مردم زندگی خود را بر اساس آن جریان می‌بخشند، فتنه‌هایی که مردم آن‌ها را سنت مسلم می‌گیرند، به گونه‌ای که اگر چیزی از آن فتنه‌ها تغییر کند، مردم به یکدیگر می‌گویند: ببینید سنت خدا را تغییر داده‌اند!

رسول خدا صلی الله علیه و آله به منکری اشاره می‌کند که در جهان اسلام رخ می‌دهد و در نوع خود یک فتنه است: روزگاری می‌آید که مردم مرتکب منکری می‌شوند، (منظور جدا کردن اهل‌البیت علیهم السلام از ساحت مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و غضب مقام ولایت و وصایت است) در آستانه این فتنه، بلا بر شما شدت خواهد گرفت؛ ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله به اسارت خواهند رفت و فتنه، مردم و مسلمانان را در هم خواهد کوباند، همان‌گونه که آتش هیزم را و همان‌گونه که آسیاب با سنگ زیرین خود گندم و جو را خرد می‌کند. در این زمان دنبال فقه و فقهات می‌روند، اما برای غیر خدا یاد می‌گیرند، نه برای عمل کردن؛ بلکه برای فخر و روشی و عمل آخرتی (نماز خواندن و...) انجام می‌دهند، اما دنبال دنیا هستند.

پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله در این جا مطلبی می‌فرمایند که پاسخ برخی از کسانی است که گاه می‌پرسند: چرا مقام معظم رهبری پیشقدم نمی‌شوند و اگر افرادی اهل فتنه هستند چرا آقا خودشان معرفی نمی‌کنند؟! گویا پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام برای این پرسش است؛ به مردم اطرافش، که گروهی از اهل‌بیت، شیعیان و خواص حضرت بودند، و گفت: حاکمان پیش از من مرتکب اعمالی شدند که در آن به طور جد رسول خدا صلی الله علیه و آله را مخالفت کردند، عهد رسول خدا را شکستند و سنت او را تغییر دادند؛ حال اگر من بخواهم مردم را از آن بدعت‌ها باز دارم و تحریف‌شده‌ها را به سر جای خود برگردانم و مانند دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار کنم، سپاه من از اطرافم پراکنده خواهد شد، به گونه‌ای که تنها خواهم ماند و یا گروه اندکی از شیعیان که بر اساس کتاب خدا و سنت رسول او به فضل و مقام و امامت من معتقدند، در اطرافم خواهند ماند!

**بر اساس نوید الهی، نخستین کسی که در فتنه‌ها ضربه می‌خورد، خود فتنه‌گر است و دومین طایفه‌ای که ضربه می‌خورد، فتنه‌زده‌ها هستند**

پی‌نوشت:

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۸، ص ۵۸.
۲. روزنامه اعتماد، ویژه سیاست‌نامه، ۸۱/۷/۲۷، ص ۸ اندیشه امام.



**سیاست امام، روشنگری و در نتیجه بیدار کردن مردم بود تا احیاناً اگر بناست یک مهره فتنه‌انگیز از گردونه سیاست خارج شود، خم به ابروی نظام نیاید.**